

روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت: متدولوژی یا متدولاتری

بختیار شعبانی ورکی^۱

پرسش پیرامون پیوند فلسفه و پژوهش از دو زاویه قابل بررسی است. نخست فلسفه پژوهش، که ناظر به سوالاتی در باب روش و اعتبار پژوهش علمی است. دوم فلسفه به منزله پژوهش، که ناظر به مفاهیم و فنونی است که برای انجام پژوهش در فلسفه به کار می روند. در این مقاله بر گونه اخیر تمرکز می شود و مولف مدعی است که پژوهش در فلسفه، عاری از دل‌بستگی به اصول و فنون جزمی خاص و نیز متضمن بازاندیشی (reflection) و دوراندیشی (speculation) است و پژوهشگر باید قادر باشد از شیوه های متنوع استدلال های منطقی به نحوی استفاده کند که از گسست زنجیره استدلال جلوگیری نماید. بنابراین، پژوهشگر فلسفه‌ها استدلال، تصور وضع مطلوب (speculate)، و بحث (discussion) دیدگاهی را مورد نقد قرار می دهد و یا ایده جدیدی را بنیان می نهد. با این مقدمات، پژوهش فلسفی واجد خصیصه استدلالی، متضمن مواضع موافق و مخالف و قابل قیاس با تعادل منطقی یا تامل ورانه (reflective equilibrium) (راولز است. بعلاوه، منظور از روش (در پژوهش فلسفی) در این مقاله غیر از مفهوم بیکنی آن است و در نتیجه ضمن استنکاف از اتخاذ موضع روش پرستی و به منظور جلوگیری از تبدیل متدولوژی به متدولاتری، رفتار پژوهشی فیلسوفان به ویژه در گروه های فلسفه و نه فلسفه ی تعلیم و تربیت مورد مذاقه قرار می گیرد. در ضمن نشان داده خواهد شد که گروه های فلسفه تعلیم و تربیت تحت تاثیر گروه های علوم تربیتی و اجتماعی به سمت روش هایی روی آورده اند که با ماهیت پژوهش در فلسفه متمایز است. دشواری های احتمالی برای برآورده کردن توقعات در دانشکده های علوم تربیتی، گردن نهادن به تقسیم روش به گردآوری داده ها، تحلیل و بازنمایی آنها و اتصال به یک چارچوب نظری یا نظریه خاص از جمله این تمایزات است. مولف این نوشتار تعبیر "روش بی روش یا روش زدایی" را جایگزین "اتکا بلامنازع به روش" می نماید و در عین حال بر این باور است که هنوز بحث از روش در فلسفه تعلیم و تربیت می تواند

¹ - استاد دانشگاه فردوسی مشهد

bshabani@ferdowsi.um.ac.ir



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

ثمربخش باشد. منطق این ادعا نقش آرایه‌های (parergon) روش‌شناختی است که به منزله ابزارهای مکمل در پژوهش‌های فلسفه تعلیم و تربیت عمل می‌کنند. بدین ترتیب خاطر نشان می‌شود که توقع پیش‌گستری (تعیین روش قبل از عمل) در پژوهش فلسفی موجه نمی‌نماید. در چنین پژوهش‌هایی رویکردهای گذشته‌نگر و تاسیسی جایگزین رویکرد‌های آینده‌نگر و تنظیمی خواهد شد. در این صورت می‌توان تصور کرد فیلسوف در باب روش تحلیل خود چیزی بگوید ولی خواننده‌ی اثر او چیزی دیگر دریابد. به عبارت دیگر روش پژوهش در فلسفه از لابلای اثر فیلسوف قابل کشف نیست. انتظار چنین اکتشافی اقتضا می‌کند در موضع بیگانه (outsider) در پژوهش قرارگیریم تا شباهت کارمان را با سایر پژوهش‌ها بررسی کنیم.